

می‌باشند و خود اینجانب قسمتی از تحصیلات فلسفی خود را از محضر ایشان استفاده کرده است.»

و این اشاره استاد بزرگانه مدرس حکمت الهی بودن حضرت علامه، خود گواهی بر مقام بلند علمی این علامه و حکیم بزرگوار می‌باشد، همچنین این شهید بزرگوار در مورد شرایط زمانی انتشار کتاب مزبور در مقدمه فوق می‌نویسند:

«از لحاظ اینکه نشریات مربوط به ماتریالیسم دیالکتیک بیش از اندازه در کشور ما منتشر شده است و افکار عده نسبتاً زیادی از جوانان را بخود متوجه ساخته و شاید عده‌ای باشند که واقعا باور کرده باشند که ماتریالیسم دیالکتیک عالیت‌ترین سیستم فلسفی جهان و ثمره مستقیم علوم و خاصیت لاینفک آنها است و دوره حکمت الهی سپری شده است، لازم بود که تمام محتویات فلسفی و منطقی این رسالات تجزیه و تحلیل شود تا ارزش واقعی آن بخوبی واضح گردد.»

و در چنین شرایط و چنین زمانه‌ای بود که حکیم الهی و فیلسوف گرانقدر، علامه طباطبائی با تکیه بر فلسفه اسلامی، بیمقداری و بی‌مایگی فلسفه الحادی و مادی را بر همگان روشن و آشکار نمود و آثار علمی و فلسفی او همچون چراغی در ظلمات فرهنگ شرقی و غربی درخشید و انسانهای بسیاری را به «صراط مستقیم» راهنمایی کرد...

اما آنچه استاد علامه را از هر نظر ممتاز گردانده و آوازه ایشان را به سراسر ایران و جهان رسانده و ضایعه فقدان ایشان را اسفبار می‌کند، علاوه بر مسائل فوق، تربیت شاگردان و دانشمندان بزرگی همچون شهید مطهری و دیگران می‌باشد، که بسیاری از شاگردان و پرورش یافتگان حوزه درس ایشان، اکنون در پست‌های مختلف از ریاست دادگاههای انقلاب گرفته تا امامت جمعه و مسئولیت‌های بالای قضائی و قانونگذاری، مشغول انجام وظیفه می‌باشند و بهمین دلیل جمهوری اسلامی ایران و حوزه‌های علمیه چه از نظر پشتوانه علمی و چه از نظر تربیت کادرهای صلاحیت‌دار از نظر علمی و عملی مدیون این بزرگمرد اندیشه و تقوی می‌باشند و مردم قدرشناس ایران اسلامی هم بخوبی به مقام و موقعیت این علامه بزرگوار واقف بوده و کتابهای ارزنده ایشان اکنون مورد مطالعه و مراجعه تمامی علاقمندان به معارف اسلامی بوده و منبع غنی جهت جویندگان حکمت الهی بشمار می‌رود، و اینها همه برای آن بزرگوار «باقیات صالحات» بوده و با هر روشنگری توسط کتابها و شاگردان، اجر و مقام عالی ایشان متعالی می‌گردد، از خداوند بزرگ علو هرچه بیشتر درجات ایشان و توفیق بهره‌وری هرچه بیشتر از آثار علمی و فرهنگی ایشان را خواهیم.



استاد علامه طباطبائی

بگانه مدرس حکمت الهی

علوم اسلامی مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گرفته بود، حرکت‌های اساسی در زمینه این علوم پدید آورد، در این مورد یکی از اقدامات مهم ایشان را می‌توان زنده نمودن فلسفه اسلامی و حکمت الهی شمرد، که این عمل در یک زمانه بسیار احساس اتفاق افتاد، در زمانه‌ای که افکار الحادی و فلسفه مادی در ایران سر و صدا راه انداخته و تعدادی را بخود جذب نموده بود، ایشان دست بکار تدریس و تالیف کتاب از روش‌های اصول فلسفه و روش رئالیسم گردید، که استاد شهید مرتضی مطهری نیز با توضیحات خود، سودمندی این اثر گرانقدر را، چند برابر نموده‌اند، استاد شهید مطهری در مقدمه نسبتاً مفصلی که در سال ۱۳۳۲ برای این کتاب نوشته‌اند:

مقام علمی استاد علامه را چنین معرفی می‌کنند: «مؤلف کتاب حاضر حضرت استاد علامه که سالها از عمر خویش را صرف تحصیل و مطالعه و تدریس فلسفه کرده‌اند... در سنوات اخیر علاوه بر تدریسات فقهی و اصولی و تفسیری، بگانه مدرس حکمت الهی در حوزه علمیه قم

إذا مات العالم، یتلم فی الاسلام تلمة لا یسند هاشمی» در روز ۲۴ آبانماه سال ۱۳۸۰ مردی از جهان چشم فرو بست که با رفتن خود جهان اسلام و جهان علم و دانش را عزادار نمود، مردی که در زندگی سراسر تلاش خود (که پیوسته نوام یا مشکلات و گرفتاریها بود)، توانست علوم بسیاری را زنده کند و یکی از نفیس‌ترین و ارزنده‌ترین تفاسیر قرآن را تالیف نماید، و با آن چشم‌زرق و عمیق خود مستکر موضوعات و راههای جدیدی در علم تفسیر کرده علمی که در حوزه‌ها بصورت یک کار حاشیه‌ای درآمد بود و از آن ارزشی که باید، برخوردار نبود و اساتید نیز کمتر بدان توجه می‌نمودند و این علامه بزرگ با پشتوانه قوی علمی و تقوایی، در این زمینه حرکتی عظیم را آغاز نمود و با کلاسهای درس پر بار و پر محتوای خود، علم تفسیر را رشد و گسترش داده و شاگردان بسیاری را در این زمینه تربیت نمود و اثر عظیم میزان را از خود بجای گذاشت، آری علامه طباطبائی که برآستی در خور این لقب بود، شجاعانه با بمیدان نهاد و در عصری که بسیاری از